

## بررسی رابطه احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی جوانان قوم کُرد (نمونه‌ی موردی: شهر قروه)

علیرضا قاسمی<sup>۱</sup>

جمشید گراوند<sup>۲</sup>

سمیه فرهادی<sup>۳</sup>

### چکیده

با در نظر داشتن ارتباط تنگاتنگی که بین گفتمان حاکم با هویت ملی، مقاله حاضر درصدد است با استفاده از روش پیمایش و به کمک پرسش‌نامه، تحقیقی را با هدف شناخت میزان هویت ملی در بین جوانان کُرد و رابطه آن با احساس عدالت اجتماعی به انجام برساند. جامعه آماری این تحقیق را شهروندان کُرد ساکن شهرستان قروه تشکیل داده و حجم نمونه برابر ۲۹۹ نفر است. بررسی‌ها نشان داد که بین احساس عدالت شهروندان و هویت ملی آنان همبستگی معناداری به میزان ۰/۴۹ وجود دارد و هر چه احساس عدالت بیشتر باشد، هویت ملی شهروندان بالاتر است. همچنین نتایج نشان داد که هر چه احساس عدالت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زبانی شهروندان بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی‌تر است. بطور مشابه، یافته‌های پژوهش، رابطه بین هویت ملی و شهروندان را تأیید نموده است.

**کلید واژه‌ها:** احساس عدالت، هویت ملی، تعلق قومی، شهروند کُرد.

\* تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۲۵

- ۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران، alirezaghasemi78@yahoo.com
- ۲- گروه فرهنگ و ارتباطات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ایران Jamshid\_geravand@yahoo.com
- ۳- گروه مطالعات زنان، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

### ۱- بیان مسأله

هویت ملی مفهومی است که ارتباط تنگاتنگی با گفتمان حاکم در جامعه دارد. هرچه پیوند بین مجموعه عناصر تشکیل دهنده جامعه‌ای مانند نظام ارزش‌ها، نظام سیاسی، نظام اقتصادی و تنوع اقوام، بتواند نظام فرهنگی برقرار کند و همه اقوام و اقشار بتوانند فارغ از زبان، قوم، مذهب و ... صرفاً بر اساس شایستگی به‌عنوان یک کنشگر، حضور فعال داشته‌باشند می‌توان انتظار داشت جامعه‌ای با انسجام اجتماعی بالاتر و هویت ملی قوی‌تری داشته‌باشیم و همه‌ی اقوام در سایه دسترسی عادلانه به مجموعه فرصت‌های موجود و در عین احترام و حفظ هویت قومی، مذهبی، زبانی و ...، هویت ملی بالاتری داشته‌باشند.

شواهد ایران صد سال اخیر نشان‌دهنده نوسانات هویت ملی در بین اقوام مختلف ایرانی است و این مسأله مورد توجه ویژه محققان و صاحب‌نظران قرار گرفته‌است. قوم کُرد با جمعیت قریب به ۶ میلیون نفر در مرزهای غربی کشور ساکنند، این قوم بارها تحت تأثیر عواملی همچون تحرکات کشورهای خارجی و سیاست‌های غلط دولت مرکزی جنبش‌های اعتراض‌آمیز و استقلال‌طلبانه داشته‌اند. اما واقعیت این است که دولت‌های مرکزی بندرت در پی شناخت عوامل مؤثر بر همگرایی یا واگرایی ملی این قوم بوده‌اند و بیشتر به رفتارهای آنها توجه کرده‌اند نه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کنش‌ها و نیات آنها، در واقع می‌توان گفت کردها خود را محروم از منابعی می‌دانستند که حق طبیعی آنها بود و محرومیت از حق دسترسی به منابع اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... را به مثابه دوگانگی نگاه دولت‌های مرکزی به اقوام می‌دانند.

در واقع می‌توان گفت یکی از مهمترین عوامل مؤثر بر تضعیف یا تقویت هویت ملی، احساس عدالت اجتماعی است. سنجش میزان احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان و رابطه آن با هویت ملی می‌تواند به ما کمک کند تا به درک مناسبی از موضوع تحقیق نائل شویم. با در نظر داشتن مطالب یاد شده، مقاله حاضر با هدف بررسی و شناخت رابطه میان احساس عدالت سیاسی/ اقتصادی/ منزلتی/ فرهنگی با هویت ملی جوانان درصدد بررسی این موضوع می‌باشد که سازه هویت ملی در بین قوم کرد چگونه است و سپس در پی تبیین عوامل مؤثر بر تقویت یا تضعیف هویت ملی می‌باشد.

### ۲- فرضیات پژوهش

فرضیه‌های اصلی تحقیق حاضر شامل ۵ فرضیه زیر می‌باشد.

- هر چقدر احساس عدالت نزد جوانان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت سیاسی نزد جوانان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت اقتصادی نزد جوانان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت منزلتی نزد جوانان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.

- هر چقدر احساس عدالت فرهنگی نزد جوانان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی تر است. علاوه بر فرضیات اصلی، فرضیات زیر نیز مورد آزمون قرار خواهد گرفت.
- بین مشروعیت سیاسی و هویت ملی جوانان کُرد، رابطه معنادار وجود دارد.
- هر چقدر احساس تعلق قومی جوانان بیشتر باشد، هویت ملی قوی تر است.
- هر چقدر پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی تر است.
- شهروندان کُرد دارای مذهب رسمی کشور (تشیع)، هویت ملی بالاتری دارند.

### ۳- تعاریف عملیاتی پژوهش

**هویت ملی:** هویت ملی در تعریف به عنوان احساس تعلق و تعهد افراد نسبت به «اجتماع جامعه‌ای»<sup>۱</sup> (ملی) می‌باشد اجتماع جامعه‌ای شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین، حکومت، دولت و نهادهای فرهنگی مانند دین، زبان، آداب و رسوم و ادبیات می‌باشد. هویت ملی افراد در حقیقت، ناشی از داشتن نوعی منشاء مشترک و احساس تعلق به آن و نیز امیدواری به آینده‌ای مشترک است (حاجیان، ۱۳۷۹).

**احساس عدالت:** تعاریف متعددی برای عدالت از جمله عدالت توزیعی و عدالت اجتماعی به صورت زیر ارایه شده است.

۱. کاربرد مفهوم عدالت توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی است که در یک جامعه انباشت شده است. عدالت توزیعی به معنای تقسیم مناسب، احترام، پاداش‌ها و مزایای دیگر اجتماعی بر مبنای شایستگی افراد است.
  ۲. عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار گیرد که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد بر اساس کار، امکانات فکری، ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار باشد
- براساس این تعاریف، در این تحقیق، در تعریف مفهوم احساس عدالت بر چهار بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی تأکید شده است که در برگزیده هر دو تعریف بالا می‌باشد.

### ۴- ادبیات تحقیق

#### ۴-۱- تحقیقات پیشین

در بررسی تحقیقات پیشین، به جهت اختصار سعی شده است به دو تحقیق اشاره شود: مهمترین تحقیقی که در داخل کشور در این زمینه انجام شده است مربوط به یک پیمایش ملی بود که توسط مسعود چلبی (۱۳۷۸) با عنوان «هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی)»، برای سنجش هویت ملی در میان هشت قوم فارس، آذری، کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن و طالش، از عناصر زبان ملی (فارسی)، دین

اسلام، مناسک دینی و ملی، مفاخر تاریخی و فرهنگی، مردم، سرزمین و دولت ملی استفاده کرده است. در مباحث نظری تحقیق، ادعا گردیده که در یک جامعه چند قومی مثل ایران، هویت قومی و هویت ملی با تکیه بر یکدیگر، قابل تعریف هستند. رابطه این دو نوع هویت، یک رابطه طولی است و هویت ملی با عبور از هویت قومی شکل گرفته و برآیندی از هویت‌های قومی است. از سوی دیگر، این دو نوع هویت بر روی یک پیوستار قرار دارند. بر روی پیوستار هویت، نقطه میانی، نقطه تعادل دو نوع هویت است و هر عاملی که یکی را تقویت کند به تضعیف دیگری می‌انجامد و بالعکس.

در بخش تحقیقات خارجی، فابلا، ورنایرانه (۲۰۰۲) در پایان‌نامه دکتری خویش به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده هویت قومی و اجتماعی از طریق مطالعه ارتباط میان هویت قومی و هویت اجتماعی آمریکائی‌های فیلیپینی تبار و در رابطه با ادراک آنان از میزان نادیده گرفته شدن آنان می‌پردازد. مهم‌ترین نتایج این تحقیق عبارتند از: هنگامی که احساس مورد توجه بودن در بین آمریکایی‌های فیلیپینی تبار افزایش یافت احساس هویت قومی و اجتماعی آنان نیز بیشتر شد. نتیجه مهم دیگر بیانگر آن است که تفاوت معنی‌داری میان افراد نسل اول و نسل دوم در زمینه هویت قومی و هویت اجتماعی وجود دارد. بدین ترتیب شرکت‌کنندگان نسل اول در پژوهش از هویت قومی نیرومندتری نسبت به نسل دوم برخوردار بودند. در بررسی مبانی نظری به چند مبحث مهم به شکل مختصر اشاره خواهد شد. هویت ملی از نظر «رابرت دونشوز»، فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی - جدا از گرایش‌های ایدئولوژیک - است و باید آن را اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت خاص محلی و هویت‌های عام فردی دانست. او هویت ملی را محصول تعامل چهار عنصر زیر می‌داند: ۱. عوامل نخستین (مثل زبان و ادبیات)؛ ۲. عوامل تکوینی (مانند دولت و ارتش مدرن و قانون اساسی)؛ ۳. عوامل القایی (مثل آموزش عالی) و ۴. عوامل واکنشی (مثل دفاع از سرزمین) (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ۱۸).

#### ۴-۲- هویت

هویت ملی دارای ابعادی است که توجه به آنها به طور همزمان می‌تواند موجب تقویت هویت و تقویت انسجام در سطح کلی جامعه گردد. این ابعاد شامل موارد زیر هستند:

**بعد اجتماعی:** هر شخص از طریق محیط اجتماعی که متعلق به آن است، هویت خود را می‌سازد و توسعه می‌دهد. بعد اجتماعی هویت ملی در ارتباط با کیفیت و روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. جوهره بعد اجتماعی هویت ملی، منوط به برقراری روابط دوستانه و عاطفی است. زیرا پایه هرگونه نظم اجتماعی، حتی در جوامع مدرن، عاطفه است و این امر ریشه در وابستگی عاطفی به جمع و روابط عاطفی در جوامع دارد (چلبی، ۱۳۷۸، ۱۵۷).

**بعد تاریخی:** هویت تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه‌ی تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست. این تعریف دربرگیرنده‌ی سه بعد است. نخست، دانش تاریخی، به معنای آگاهی از مهمترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی، دوم تعلق خاطر تاریخی به معنای وجود احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث، وقایع و شخصیت‌های مثبت و منفی که نتیجه آن برخورد مثبت و افتخارآمیز با آن یا موافق دانستن فعالیت‌ها و اقدامات شخصیت‌های مؤثر و مثبت در تاریخ کشور و احساس غرور یا ناراحتی و سرافکنندگی و تحقیر شدن است. سوم اهتمام تاریخی، به معنای میزان اهمیت‌دادن به تاریخ در مقایسه با سایر موارد مهم است (معمار، ۱۳۷۸).

**بعد جغرافیایی:** برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص، ضرورت تام دارد. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست، پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شخص معلوم می‌سازد. به این معنا که تنها با وجود سرزمین مشخص، رسیدن به اهداف و رفع نیازهایش متصور خواهد بود.

دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین، مشخص می‌شود دارای شاخص‌هایی از قبیل آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز خطر یا ارجحیت زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان و... است (همان، ۳۴۸).

**بعد سیاسی:** امروزه دولت ملی، بزرگ‌ترین و رایج‌ترین نوع شکل‌بندی جامعه‌بشری محسوب می‌شود. لذا اینکه دولت در یک کشور تا چه اندازه در میان اعضاء مقبولیت داشته و یا اینکه میزان وفاداری اعضای یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور چقدر است، بسیار مهم خواهد بود (بانید، ۱۳۷۷).

**بعد دینی:** داشتن دین و تعالیم مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در روند شکل‌دهی هویت ملی بسیار مؤثر است. مذهب علاوه بر اینکه از لحاظ کارکردی، عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی و نشاط و اشتیاق عمومی است. (حیدری، ۱۳۸۳، ۳۴۹-۳۴۸).

**بعد فرهنگی:** میراث فرهنگی، کلیه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را دربرمی‌گیرد که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نشانه‌های تاریخ یک فرهنگ و یک ملت به شمار می‌رود. در این مفهوم، میراث فرهنگی یک ملت، کلیتی زنده و پویایی خلاقیت انسانی است (ورجاوند، ۱۳۷۸، ۶۶).

**بعد زبانی:** زبان نه تنها به‌عنوان یک محصول اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به‌عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می‌شود. زبان یک ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ و شکل‌گیری و انتقال فرهنگ (پیشین).

علاوه بر این می‌توان به افرادی مانند هابرماس، گیدنز، کاستلز و... اشاره کرد که هویت‌های جمعی در جوامع کنونی را نه مبتنی بر ناهمسازی با یکدیگر بلکه دارای خصلت همزیستی می‌دانند که می‌توانند در کنار همدیگر بدون تضاد و تنش قرار بگیرند. در این دیدگاه، ساختار و کنش هر دو مهم‌اند و لازم است هر دو در تحلیل، مورد توجه قرار گیرند. بر مبنای چنین بینشی، جامعه عرصه‌ی همنشینی عناصر خرد و کلان است که نمود عینی آن مشروعیت دادن به تکثرگرایی و قبول وجود هویت‌های جمعی گوناگون است (توسلی، ۱۳۸۱: ۶). با توجه به اینکه در تحقیق حاضر از آرای کاستلز استفاده شده است، به اختصار به بیان آرای وی می‌پردازیم:

هویت «عبارتست از فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی یا مجموعه به هم پیوسته‌ای از ویژگی‌های فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود» تعریف مذکور بیان‌کننده‌ی دیدگاه «مانوئل کاستلز» نویسنده چیره‌دست کتاب «عصر اطلاعات» می‌باشد. وی از اساتید جامعه‌شناسی در دانشگاه کالیفرنیا برکلی است و در مجموعه سه جلدی «عصر اطلاعات»، عقاید خویش را با تحلیلی بسیار منسجم و قوی در خصوص شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی معاصر، شبکه‌های اجتماعی در عصر جدید و هویت‌های جمعی و آینده هویت‌ها بیان نموده است.

وی سعی می‌کند مفهوم «هویت» را از مفهوم «نقش» که گاهی اوقات به یک معنا در نظر گرفته می‌شوند، متمایز نماید. نقش در دیدگاه وی بر مبنای هنجارهای نهادها و سازمان‌های جامعه تعریف می‌شود در حالیکه هویت ساخته خود کنشگران و درونی شده به وسیله آنان است. چنانکه اعتقاد دارد نقش‌هایی مانند کارگر، مادر، همسایه، چریک، سوسیالیست، عضو اتحادیه، بسکتبالیست، کلیسارونده و سیگاری براساس هنجارهایی تعریف می‌شوند که ساخته دست نهادها و سازمان‌های جامعه هستند و وزن نسبی هر یک از آنها در اثرگذاری بر رفتار مردم، بستگی به توافقها و آرایش‌های موجود بین افراد و این نهادها و سازمان‌ها دارد، اما هویت منبع معنا برای خود کنشگران است و به دست خود آنها از رهگذر فرایند فردیت بخشیدن، ساخته می‌شود. ممکن است هویت‌ها از نهادهای مسلط نیز ناشی شوند اما حتی در این صورت نیز فقط هنگامی هویت خواهند بود که کنشگران اجتماعی آنها را درونی کنند و معنای آن را حول این درونی‌سازی بیافرینند. مسلم است که گاهی خود - تعریف‌ها نیز با نقش‌های اجتماعی مطابقت دارد (مثلاً وقتی که از نظر کنشگر معینی پدر بودن، مهمترین خود تعریف اوست). اما «هویت» در مقایسه با «نقش» منبع معنایی نیرومندتری است زیرا دربرگیرنده فرآیندهای ساختن خویش و فردیت یافتن است. به بیان ساده، هویت سازمان‌دهنده معناست ولی نقش سازمان‌دهنده کارکردها (فونکسیون‌ها) است. معنا نیز از نظر وی یکی شدن نمادین کنشگر اجتماعی با مقصد و هدف کنش است (کاستلز، ۱۳۸۰، ۲۳).

براساس دیدگاه کاستلز هویت مفهومی است که «دنیای درونی یا شخصی را با فضای جمعی اشکال فرهنگی و روابط اجتماعی ترکیب می‌کند. هویت‌ها معناهایی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می‌دهند و مردم به واسطه‌ی آنها نسبت به رویدادها و تحولات محیط زندگی خود حساس می‌شوند. مردم به دیگران می‌گویند چه کسی هستند و مهمتر اینکه به خودشان نیز می‌گویند چه کسی هستند و سپس می‌کوشند به گونه‌ای رفتار کنند که از آن کسی که تصور می‌کنند هستند، انتظار می‌رود» (گل محمدی، ۱۳۸۱، ۲۲۵).

کاستلز اعتقاد دارد امروزه با توجه به فراگیر شدن پدیده‌ای به نام جهانی شدن و بین‌المللی شدن نهادهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، گسترش رسانه‌های الکترونیک و درهم ریختن مرزهای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... کشورها موضوعاتی مانند ملت، ملی‌گرایی و هویت ملی بسیار مورد بحث قرار می‌گیرند. دولت‌های امروزی تلاش می‌نمایند تا به منظور حفظ حاکمیت و انسجام آن از هویت ملی به عنوان ابزاری برای این مهم استفاده نمایند. تأکید بر پیشینه تاریخی ملت‌ها، زبان، آب و خاک، مذهب و... در واقع اساس تشکیل ملی‌گرایی است که به عقیده «هابزباوم»<sup>۱</sup> «ملی‌گرایی آغازین» نامیده می‌شود. زیرا ملت‌ها و ملی‌گرایی تنها در صورتی به وجود می‌آیند که دولت ملی شکل بگیرد (کاستلز، ۱۳۸۰).

کاستلز عقیده دارد هنگامی که درباره ملی‌گرایی معاصر بحث می‌شود می‌بایست چهار نکته عمده مورد توجه قرار گیرند:

۱. ملی‌گرایی معاصر، ممکن است معطوف به ساختن حاکمیت دولت ملی مستقل باشد و ممکن است چنین نباشد و بنابراین ملت‌ها به لحاظ تاریخی و تحلیلی، هستارهایی مستقل از دولت هستند.
۲. ملت‌ها و دولت‌های ملی، محدود به دولت ملی مدرن نیستند که پس از انقلاب فرانسه در اروپا تأسیس شده است. تجربه سیاسی فعلی نافی این اندیشه است که ملی‌گرایی منحصرأ مربوط به دوره شکل‌گیری دولت ملی مدرن است که نقطه‌ی اوج آن در قرن ۱۹ بود و در فرایند استعمارزدایی اواسط قرن بیستم از طریق واردکردن دول ملی غربی به جهان سوم تکرار شد.
۳. ملی‌گرایی پدیده‌ای نیست که ضرورتاً مربوط به نخبگان باشد و در واقع ملی‌گرایی، امروز غالباً واکنشی است علیه نخبگان جهانی. همانند تمامی شخصیت‌های اجتماعی، رهبر، از توده‌های عوامی که آنها را برای اهداف ملی‌گرایانه بسیج می‌کند تحصیل کرده‌تر و باسوادتر (یا در زمان ما دارای سواد کامپیوتری بیشتر) است، اما این واقعیت جاذبه و معنای ملی‌گرایی را به سوء استفاده نخبگان از توده‌ها برای منافع شخصی خود فرد نمی‌کاهد.
۴. از آنجا که ملی‌گرایی معاصر بیشتر واکنشی است تا خودجوش، بیشتر به فرهنگی بودن گرایش دارد تا به سیاسی بودن و بنابراین بیشتر متوجه دفاع از فرهنگی است که پیشاپیش نهادینه شده نه متوجه ایجاد و یا دفاع

از یک دولت. هنگامی که نهادهای سیاسی جدید ایجاد یا احیاء می‌شوند، آنها سنگرهای دفاعی هویت به شمار می‌آیند نه سکوی آغاز برنامه‌های حاکمیت سیاسی (پیشین، ۴۹-۴۷).

کاستلز با اشاره به نظرات هابزبوم عقیده دارد که ملی‌گرایی توسط کنش و واکنش اجتماعی نخبگان و توده‌ها برساخته می‌شود اما در مخالفت با عقاید وی ملی‌گرایی را به عنوان منبع هویت به دوره‌ی تاریخی خاص و به کارکردهای انحصاری دولت ملی مرتبط نمی‌داند (پیشین، ۴۹).

کاستلز با مروری بر آراء «روبر دوونتوس» اظهار می‌دارد که وی ظهور هویت ملی را ناشی از تعامل تاریخی چهار عامل می‌داند شامل عوامل نخستین مانند: قومیت، خط، زبان، دین و غیره؛ عوامل تکوینی مانند توسعه ارتباطات و تکنولوژی، شکل‌گیری شهرها، ظهور ارتش‌های مدرن و حکومت‌های پادشاهی متمرکز؛ عوامل القایی مثل تدوین زبان در قالب دستور زبان رسمی، رشد دیوانسالاری و استقرار نظام آموزش ملی؛ عوامل واکنشی یعنی دفاع از هویت‌های تحت ستم و منافع به انقیاد کشیده شده از سوی گروه اجتماعی حاکم یا دستگاه نهادی حاکم که محرک جستجو برای هویت‌های جایگزین درحافظه‌ی جمعی مردم می‌باشد. اما کاستلز نقش هریک از این عوامل را در شکل‌گیری هر ملی‌گرایی و هر ملتی بسته به متن و زمینه‌های تاریخی و مواد و مصالح قابل دسترسی برای حافظه‌ی جمعی و تعامل بین استراتژی‌های متعارض قدرت می‌داند.

وی در تعریفی که از ملت ارائه می‌نماید آن‌را: «جماعت فرهنگی که با تاریخ و برنامه‌های سیاسی مشترک در ذهن مردم و خاطره جمعی آنها برساخته می‌شود» می‌داند و عقیده دارد اجزاء و عناصر زمینه‌ساز شکل‌گیری جماعت متغیر است و در دوره‌های مختلف تغییر می‌کند. پس یکی از عناصر مهم تقویت‌کننده هویت ملی را علاوه بر اشتراک تاریخی، زبان می‌داند. فرض وی این است که «زبان و به خصوص یک زبان کاملاً پرورش یافته، یکی از ویژگی‌های بنیادین خودشناسی و استقرار مرزهای نامریی ملی است که کمتر از سرحدات ارضی، دلبخواهی است. و کمتر از قومیت انحصاری است».

وی همچنین تأکید می‌کند که زبان پیوندی است میان حوزه‌ی خصوصی و عمومی و نیز گذشته و حال. از سوی دیگر با توجه به گسترش قدرت رسانه‌های جهانی و ایده همگن‌سازی فرهنگی زبان یکی از ابزارهای مقاوم در برابر این امر است. از نظر کاستلز اگر چه هویت از عناصر متعددی مانند تاریخ، جغرافیا، نهادهای تولید و بازتولید خاطره‌ی جمعی، دستگاه قدرت، رؤیاهای شخصی، وحی و الهامات دینی ساخته می‌شود اما افراد و گروه‌های اجتماعی با توجه به شرایط و الزامات اجتماعی و چارچوب زمانی و مکانی آن را برای خود تعریف می‌کنند و محتوای نهادین هویت توسط افراد و گروه‌ها با توجه به اهداف و شرایط آنها ساخته می‌شود. سپس وی سه شیوه و منشاء ساخت هویت را به ترتیب زیر معرفی می‌نماید.



**۴-۲-۱- هویت مشروعیت بخش**

این نوع هویت توسط نهادهای غالب جامعه ایجاد می‌شود تا سلطه‌ی آنها را بر کنشگران اجتماعی گسترش دهد و عقلانی کند.

**۴-۲-۲- هویت مقاومت**

این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه بی‌ارزش دانسته می‌شود و یا داغ ننگ بر آن زده می‌شود.

**۴-۲-۳- هویت برنامه‌دار**

هنگامی که کنشگران اجتماعی با استفاده از هرگونه مواد و مصالح فرهنگی قابل دسترسی، هویت جدیدی می‌سازند که موقعیت آنان را در جامعه از نو تعریف می‌کند و به این ترتیب در پی تغییر شکل کل ساخت اجتماعی هستند این نوع هویت تحقق می‌یابد.

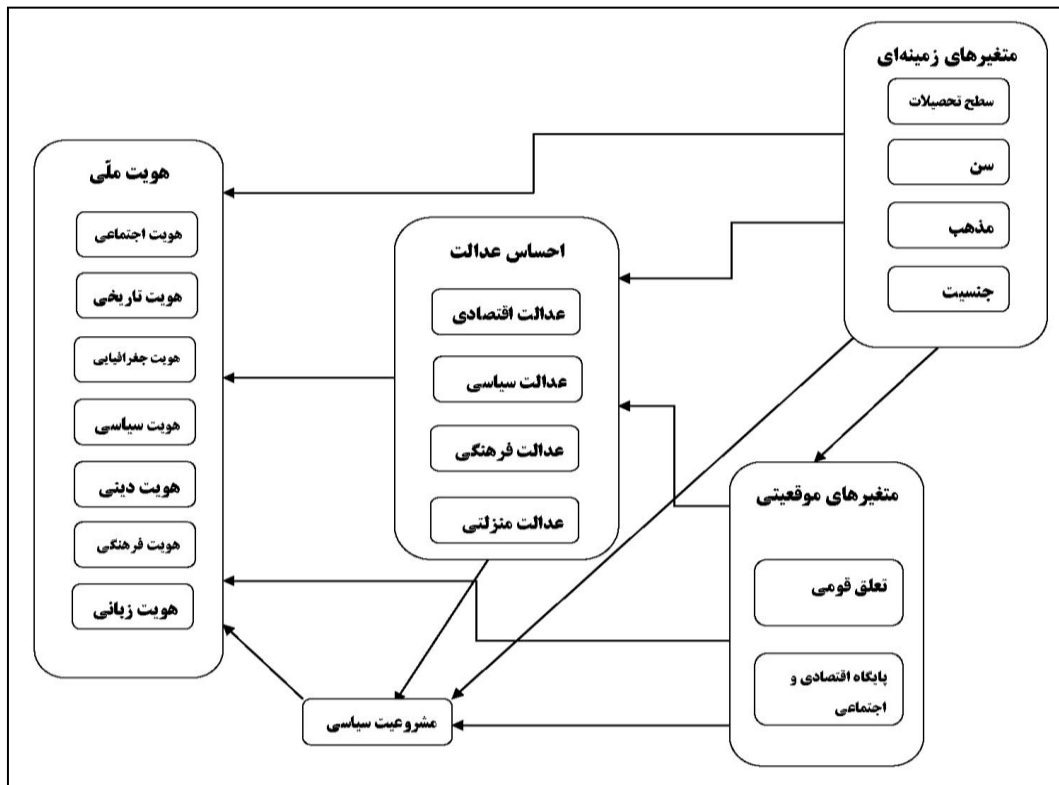
کاستلز خصیصه‌های متمایزی را برای جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی کنونی قائل است که منجر به هویت‌های جمعی متمایزی نسبت به دوره‌های ماقبل می‌گردد، چراکه با افزایش ارتباطات متقابل تحت تأثیر جهانی شدن و از طرف دیگر تأکید بر هویت‌های محلی (مقاومت)، روند هویت‌گزینی افراد، دستخوش تغییر و دگرگونی است و برحسب تعامل دیالکتیکی محلی و جهانی بازساخته می‌شود، زیرا بیشتر افراد و گروه‌های اجتماعی در جامعه‌ی شبکه‌ای بر مبنای جدایی سیستماتیک امر جهانی و امر محلی استوارند. کنشگران اجتماعی بر مبنای احساس کاهش مشروعیت نظام سیاسی خود و احساس تبعیض ناعادلانه سیاسی و اقتصادی یا اجتماعی برمی‌خیزند و هویت و تشخص خود را از جماعت‌هایی می‌گیرند که با ویژگی تدافعی و یا برنامه‌دار در صد ارائه هویت جدیدی هستند و این امر هم به دو صورت خاص گرایانه و عام‌گرایانه است. در بعد فرهنگی و اجتماعی، روند هویت‌گزینی عام‌گرا است و کنشگران اجتماعی، هویت جمعی عام را برمی‌گزینند، ولی در ابعاد اقتصادی و سیاسی که تبعیض‌ها و احساس حقارت از طرف سیاستمداران مشهود است، حالت خاص‌گرایانه پیدا می‌کند که آنهم در پاره‌ای از موارد درصد جهانی کردن ارزش‌های خود هستند. (پیشین: ۷۲).

**۴-۳- عدالت**

جامعه‌شناسان معاصر برخلاف جامعه‌شناسان کلاسیک که یا بیشتر به ساختار توجه دارند و یا به فرد اهمیت می‌دهند، با توجه به پرسش‌های جدیدی که در ذهن دارند، به این دوگانه انگاری (خرد و کلان) توجه کمتری نشان می‌دهند. بنابراین موضوع هویت نیز که در جوامع کنونی از اهمیت بسزایی برخوردار است توسط اینان به گونه‌ای متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرد. افرادی مانند هابرماس، گیدنز، کاستلز و ...

هویت‌های جمعی در جوامع کنونی را نه مبتنی بر ناهمسازی با یکدیگر بلکه دارای خصلت همزیستی می‌دانند که می‌توانند در کنار همدیگر بدون تضاد و تنش قرار بگیرند. تفاوت جامعه‌شناسان سطح خرد و کلان با نظریه‌پردازان این رویکرد به سطح تحلیل آنها برمی‌گردد. جامعه‌شناسان سطح کلان بیشتر به ساختارها و تأثیر صرف آن بر کنشگران تأکید دارند. جامعه‌شناسان سطح خرد عکس این قضیه به کنشگر اجتماعی و کنش وی توجه بیشتری نشان داده‌اند اما در دیدگاه جامعه‌شناسان اخیر، ساختار و کنش هر دو مهم‌اند و برای تحلیل، هر دو می‌بایست مورد توجه قرار گیرند. بر مبنای چنین بینشی، جامعه عرصه همنشینی عناصر خرد و کلان است که نمود عینی آن مشروعیت دادن به تکثرگرایی و قبول وجود هویت‌های جمعی گوناگون است (توسلی، ۱۳۸۱، ۶). در این مقاله سعی شده با استفاده از نظریه کاستلز موضوع مورد مطالعه بررسی شود. با توجه به توضیحات ارائه شده، مدل مفهومی تحقیق را به صورت زیر می‌توان نشان داد.

شکل ۱: مدل مفهومی تحقیق



## ۵- روش شناسی

تحقیق حاضر تحقیقی کاربردی است که به صورت پیمایشی انجام شده است. محدوده مکانی تحقیق، شهر قروه واقع در استان کردستان و محدوده زمانی تحقیق از ابتدای خردادماه ۱۳۹۰ تا پایان تیرماه همان سال می باشد جامعه آماری شامل کلیه شهروندان کرد سنی و شیعه مذهب ساکن شهر قروه اعم از مردان و زنان بالای ۱۵ سال سن می باشد.

در نمونه گیری از روش خوشه ای دو مرحله ای استفاده شد. در مرحله اول بر اساس شماره حوزه های شهر قروه، ۵ حوزه به تصادف انتخاب شده و در مرحله دوم از تمام بلوک های آماری هر حوزه، تعدادی از خانوارهای ساکن به عنوان واحد نمونه گیری در هر بلوک بر اساس شیوه نمونه گیری سیستماتیک انتخاب شده و با یک نفر از اعضای خانوار به عنوان عنصر نمونه گیری مصاحبه انجام شد.

برای تعیین حداقل حجم نمونه از فرمول کوکران در تعیین حجم نمونه برای صفات کیفی استفاده شد که تعداد نمونه لازم برابر ۲۶۶ نفر بدست آمد و با توجه به اینکه احتمال عدم همکاری برخی از شهروندان تعداد نمونه ها برابر ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شد. و در تحلیل داده ها با استفاده از فنون و روش های آمار توصیفی و نیز استفاده از روش های آمار استنباطی انجام شد.

## ۶- یافته های پژوهش

## ۶-۱- یافته های توصیفی

بررسی یافته ها نشان می دهد ۴۹/۳ درصد پاسخگویان مرد و ۵۰/۷ درصد پاسخگویان زن؛ میانگین سن دختران برابر ۲۴/۱ سال و پسران ۲۱/۸ سال؛ ۲۷/۸ درصد پاسخگویان متأهل و مابقی مجرد؛ ۵۴/۷ درصد شیعه و ۴۵/۳ درصد سنی و به لحاظ سطح تحصیلات، ۲۰/۴ درصد زیر دیپلم، ۴۰/۱ درصد دیپلم و ۳۷/۵ درصد فوق دیپلم و لیسانس بوده اند.

جدول شماره ۱: ویژگی های جمعیت شناختی پاسخگویان

متغیرها	سن	فراوانی	درصد فراوانی
گروه سنی	تا ۲۲ سال	۱۲۶	۴۲/۶
	بین ۲۳ تا ۲۶ سال	۹۶	۳۲/۴
	بین ۲۷ تا ۳۰ سال	۷۴	۲۵/۰
جنس	کل	۲۹۶	۱۰۰/۰
	زن	۱۵۰	۵۰/۷
	مرد	۱۴۶	۴۹/۳
وضعیت تاهل	کل	۲۹۶	۱۰۰/۰
	دارای همسر	۸۰	۲۷/۸
	هرگز ازدواج نکرده	۲۰۸	۷۲/۲

۱۰۰/۰	۲۸۸	کل	مذهب
۵۴/۷	۱۶۲	شیعه	
۴۵/۳	۱۳۴	سنی	
۱۰۰/۰	۲۹۶	کل	میزان تحصیلات
۲/۷	۸	ابتدایی	
۱۷/۷	۵۲	راهنمایی	
۴۰/۱	۱۱۸	دیپلم	
۱۳/۶	۴۰	فوق دیپلم	
۲۳/۸	۷۰	لیسانس	
۲/۰	۶	فوق لیسانس و دکترا	
۱۰۰/۰	۲۹۴	کل	

بررسی پایگاه اقتصادی و اجتماعی پاسخ‌گویان نشان می‌دهد ۳۱/۸ درصد سطح پایین، ۲۷/۷ درصد در سطح متوسط به پایین، ۲۵ درصد در سطح متوسط به بالا و ۱۵/۵ درصد در سطح بالا هستند.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پایگاه اقتصادی و اجتماعی

پایگاه اقتصادی و اجتماعی	فراوانی	درصد فراوانی
خیلی پایین	۱۸	۶/۱
پایین	۷۶	۲۵/۷
متوسط به پایین	۸۲	۲۷/۷
متوسط به بالا	۷۴	۲۵/۰
بالا	۳۸	۱۲/۸
خیلی بالا	۸	۲/۷
کل	۲۹۶	۱۰۰/۰

علاوه بر این، ۶۸/۹ درصد پاسخ‌گویان از روزنامه یا مجلات داخلی استفاده می‌کنند و تنها ۹/۷ درصد از روزنامه یا مجلات خارجی استفاده می‌کنند. ۲۷/۷ درصد از برنامه‌های ماهواره استفاده می‌کنند. ۶۸/۲ درصد از سایت‌های ایرانی و ۱۲/۲ درصد از سایت‌های خارجی استفاده می‌کنند و ۱۹/۶ درصد از هیچ‌یک استفاده نمی‌کنند.

جدول شماره ۳: استفاده یا عدم استفاده از روزنامه یا مجلات داخلی

رسانه‌ها	استفاده یا عدم استفاده	فراوانی	درصد فراوانی
روزنامه یا مجلات داخلی	خیر	۹۲	۳۱/۱
	بله	۲۰۴	۶۸/۶
	کل	۲۹۶	۱۰۰/۰
روزنامه یا مجلات خارجی	خیر	۲۶۰	۹/۲
	بله	۲۸	۹/۷
	کل	۲۸۸	۱۰۰/۰
برنامه های ماهواره	بله	۸۲	۲۷/۷
	خیر	۲۱۴	۷۲/۳
	کل	۲۹۶	۱۰۰/۰
سایت های ایرانی یا خارجی	ایرانی	۲۰۲	۶۸/۲
	خارجی	۳۶	۱۲/۲
	هیچ کدام	۵۸	۱۹/۶
	کل	۲۹۶	۱۰۰/۰

#### ۷- یافته‌های تبیینی

در تحلیل یافته‌ها سعی شده، صرفاً به بررسی آن دسته از روابط بین متغیرها پرداخته شده که روابط معنادار و با ضریب همبستگی بالا اشاره شود. نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای ارتباط انواع عدالت با ابعاد مختلف هویت به همراه تحلیل آزمون، در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول شماره ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون در خصوص رابطه بین عدالت و هویت

متغیر مستقل	متغیرهای وابسته	ضریب پیرسون	سطح معناداری	نتیجه آزمون
عدالت اقتصادی	هویت سیاسی	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰	رابطه عدالت اقتصادی و هویت سیاسی معنادار، با همبستگی ۰/۴۴۰ می‌باشد.
	هویت ملی	۰/۳۹۴	۰/۰۰۰	رابطه عدالت اقتصادی و هویت ملی معنادار با همبستگی ۰/۳۹۴ می‌باشد.
عدالت سیاسی	هویت اجتماعی	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت اجتماعی معنادار با همبستگی ۰/۳۸۸ می‌باشد.
	هویت تاریخی	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت تاریخی معنادار با همبستگی ۰/۳۷۸ می‌باشد.
	هویت جغرافیایی	۰/۵۶۱	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت جغرافیایی معنادار با همبستگی ۰/۵۶۱ می‌باشد.
	هویت سیاسی	۰/۶۳۶	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت سیاسی معنادار با همبستگی ۰/۶۳۶ می‌باشد.
	هویت دینی	۰/۴۶۲	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت دینی معنادار با همبستگی ۰/۴۶۲ می‌باشد.
	هویت فرهنگی	۰/۳۸۸	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت فرهنگی معنادار با همبستگی ۰/۳۸۸ می‌باشد.
	هویت زبانی	۰/۴۵۸	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت زبانی معنادار با همبستگی ۰/۴۵۸ می‌باشد.
	هویت ملی	۰/۶۵۷	۰/۰۰۰	رابطه عدالت سیاسی و هویت ملی معنادار با همبستگی ۰/۶۵۷ می‌باشد.

رابطه عدالت فرهنگی و هویت اجتماعی معنادار با همبستگی ۰/۲۷۴ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۲۷۴	هویت اجتماعی	عدالت فرهنگی
رابطه عدالت فرهنگی و هویت تاریخی معنادار با همبستگی ۰/۲۴۸ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۲۴۸	هویت تاریخی	
رابطه عدالت فرهنگی و هویت جغرافیایی معنادار با همبستگی ۰/۳۰۷ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۳۰۷	هویت جغرافیایی	
رابطه عدالت فرهنگی و هویت سیاسی معنادار با همبستگی ۰/۳۰۱ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۳۰۱	هویت سیاسی	
رابطه عدالت فرهنگی و هویت دینی معنادار با همبستگی ۰/۲۰۳ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۲۰۳	هویت دینی	
رابطه عدالت فرهنگی و هویت فرهنگی معنادار با همبستگی ۰/۲۲۲ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۲۲۲	هویت فرهنگی	
رابطه عدالت فرهنگی و هویت زبانی معنادار با همبستگی ۰/۲۰۶ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۲۰۶	هویت زبانی	
رابطه عدالت فرهنگی و هویت ملی معنادار با همبستگی ۰/۳۵۱ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۳۵۱	هویت ملی	عدالت منزلتی
رابطه عدالت منزلتی و هویت سیاسی معنادار با همبستگی ۰/۴۳۸ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۴۳۸	هویت سیاسی	
رابطه عدالت منزلتی و هویت زبانی معنادار با همبستگی ۰/۴۱۶ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۴۱۶	هویت زبانی	
رابطه عدالت منزلتی و هویت ملی معنادار با همبستگی ۰/۴۸۳ می‌باشد.	۰/۰۰۰	۰/۴۸۳	هویت ملی	

علاوه بر بررسی ارتباط انواع عدالت با ابعاد مختلف هویت، سعی شده به کمک آزمون تی استودنت اختلاف‌های پاسخ‌های موجود در طبقات مختلف هر گروه نیز بررسی گردد. در جدول زیر نتایج آزمون و تحلیل آن ارائه شده است.

جدول شماره ۵. مقادیر آزمون تی استودنت در خصوص روابط بین گروه‌های مختلف جوانان با عدالت و هویت

نتیجه آزمون	سطح معناداری	متغیر وابسته	متغیر مستقل
اختلاف هویت اجتماعی و زبانی بین شیعه‌ها و سنی‌ها معنادار می‌باشد	۰/۰۲۶	هویت اجتماعی	مذهب
	۰/۰۱۵	هویت زبانی	
اختلاف هویت سیاسی و زبانی بین مجردان و متاهلان معنادار می‌باشد	۰/۰۱۸	هویت سیاسی	تاهل
	۰/۰۴۵	هویت زبانی	
اختلاف هویت تاریخی بین دو گروه (پایگاه بالا و پایین) معنادار می‌باشد	۰/۰۴۵	هویت تاریخی	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
	مردان احساس عدالت سیاسی و فرهنگی بیشتری نسبت به زنان دارند	۰/۰۳۰	عدالت سیاسی
۰/۰۴۹		عدالت فرهنگی	
شیعه‌ها احساس عدالت اقتصادی بیشتری نسبت به سنی‌ها دارند	۰/۰۱۶	عدالت اقتصادی	مذهب
متاهلان احساس عدالت سیاسی بیشتری نسبت به مجردان دارند	۰/۰۰۱	عدالت سیاسی	تاهل
افراد طبقات بالا احساس عدالت اقتصادی و فرهنگی بیشتری نسبت به طبقات پایین دارند	۰/۰۱۶	عدالت اقتصادی	پایگاه اقتصادی-اجتماعی
	۰/۰۰۱	عدالت فرهنگی	
افراد با تحصیلات پایین تر احساس عدالت اقتصادی، سیاسی و منزلتی بیشتری نسبت به افراد با تحصیلات بالا دارند	۰/۰۰۷	عدالت اقتصادی	تحصیلات
	۰/۰۰۱	عدالت سیاسی	
	۰/۰۰۷	عدالت منزلتی	

همچنین برای بررسی وجود ارتباط و نوع آن و شدت ارتباط بین هویت ملی با متغیرهای مختلف و به‌ویژه با انواع عدالت، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که در جدول زیر مقادیر آزمون به همراه تحلیل آن، آمده است.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص روابط بین متغیرها

رابطه بین هویت ملی با ...	ضریب اسپیرمن	سطح معناداری	نتیجه آزمون
تعلق قومی	۰/۴۲۶	۰/۰۰۰	هرچه احساس تعلق قومی شهروندان بیشتر، هویت ملی ضعیف‌تر است.
احساس عدالت منزلتی	۰/۴۲۰	۰/۰۰۰	هرچه احساس عدالت منزلتی نزد شهروندان بیشتر، هویت ملی آنان قوی‌تر است
مشروعیت سیاسی	۰/۵۹۴	۰/۰۰۰	هرچه مشروعیت سیاسی نظام نزد شهروندان بیشتر، هویت ملی آنان قوی‌تر است
احساس عدالت فرهنگی	۰/۳۱۰	۰/۰۰۰	هرچه احساس عدالت فرهنگی نزد شهروندان بیشتر، هویت ملی آنان قوی‌تر است
احساس عدالت اقتصادی	۰/۴۹۰	۰/۰۰۰	هرچه احساس عدالت اقتصادی نزد شهروندان بیشتر، هویت ملی آنان قوی‌تر است
احساس عدالت سیاسی	۰/۵۵۷	۰/۰۰۰	هرچه احساس عدالت سیاسی نزد شهروندان بیشتر، هویت ملی آنان قوی‌تر است

در مجموع هم می‌توان بر اساس نتایج آزمون بین احساس عدالت و هویت ملی شهروندان گرد گفت رابطه معنادار مثبتی به میزان ۰/۴۹۰ وجود دارد. این امر بدین معناست که به بیان دیگر هرچه احساس عدالت نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است. علاوه بر این بر اساس نتایج به‌دست آمده از تحلیل مسیر، می‌توان گفت احساس عدالت سیاسی شهروندان، بیشترین تأثیر را در مقایسه با سایر ابعاد دارد.

#### ۸- سخن پایانی

به طور کلی متغیرهای زمینه‌ای موقعیتی و شاخص احساس عدالت، تغییرات مربوط به هویت ملی شهروندان کرد را به میزان ۴۹/۱ درصد توضیح می‌دهد که این مقدار در تحقیقات علوم انسانی میزان قابل توجهی محسوب می‌شود.

همچنین این میزان نشان می‌دهد که حدود ۵۰ درصد از تغییرات مربوط به هویت ملی را متغیرهای این تحقیق تبیین نمی‌کند. به این ترتیب در بحث مربوط به بررسی هویت ملی شهروندان کرد، بایستی به دنبال متغیرهای دیگری نیز باشیم که پیشنهاد می‌شود به منظور تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر وضعیت هویت ملی شهروندان کرد در تحقیقات آتی این متغیرها شناسایی و در مدل ارائه شده در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به تأثیر قابل توجه احساس عدالت بر هویت ملی شهروندان، آشکار است که توجه به ابعاد مختلف عدالت می‌تواند بر دغدغه مسؤلان مبنی بر تأمین امنیت مناطق کردنشین بسیار مؤثر باشد. در این

میان توجه به احساس عدالت سیاسی به دلیل رابطه قوی که با هویت ملی در میان سایر ابعاد احساس عدالت دارد، باید بیش از پیش مورد تأکید واقع شود.

یکی از نتایج این تحقیق رابطه معکوس و قوی سطح تحصیلات شهروندان گرد با هویت ملی بود. به این ترتیب که هر چه قدر تحصیلات افراد بالاتر می‌رود هویت ملی آنها کاهش می‌یابد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا کسب تحصیلات دانشگاهی موجب کاهش هویت ملی می‌شود؟

علاوه بر اینکه این سؤال می‌تواند به عنوان موضوع تحقیق جداگانه برای پژوهشگرانی که در این حوزه مطالعه می‌کنند باشد، همچنین می‌توان این موضوع را در چارچوب این تحقیق مطرح کرد که با بالا رفتن تحصیلات، شهروندان کرد احساس عدالت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی) کمتری نموده و این امر باعث کاهش هویت ملی آنان می‌شود. بنابراین توجه به نیازهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی آنها و برآوردن توقعات و رفع محرومیت‌های نسبی آنان، تا حدود زیادی می‌تواند هویت ملی آنها را افزایش دهد.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق رابطه معکوس و قوی تعلق قومی شهروندان گرد با هویت ملی بود. به این ترتیب که هر چه قدر تعلق قومی افراد بالاتر باشد هویت ملی آنها کمتر است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا تعلق قومی باعث کاهش هویت ملی می‌شود؟ یا به عبارت دیگر چرا گرایش‌های بالای قومی شهروندان گرد هماهنگ با گرایش‌های مربوط به هویت ملی آنها نیست؟ این امر نشان می‌دهد که شهروندان گرد با ابراز گرایش‌های قومی خود، به دلیل احساس بی‌عدالتی از هویت ملی خود دور می‌شوند. بنابراین اولاً در میان شهروندان گرد گرایش‌های قومی قابل توجهی مشاهده می‌شود و ثانیاً پیشنهاد می‌شود که از این پتانسیل در جهت تقویت هویت ملی بهره گرفته شود تا از انزوای فردی و قومی آنها در کشور جلوگیری شود.

### فهرست منابع

#### کتاب

۱. آقابخشی، علی، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم سیاسی، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، تهران.
۲. جنکینز، ریچارد، (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، نشر شیرازه، تهران، چاپ اول.
۳. حیدری، محمد، (۱۳۸۳)، هویت و امنیت ملی، مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت، انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، تهران.



۴. روح الامینی، محمود، (۱۳۷۹)، زمینه فرهنگ‌شناسی، انتشارات عطار، تهران، چاپ پنجم.
۵. روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، انتشارات تبیان، چاپ اول.
۶. ریتزر، جورج، (۱۳۷۴)، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، تهران، چاپ هشتم.
۷. ساروخانی، باقر، (۱۳۷۲)، روش‌های تحقیقی در علوم اجتماعی، (جلد اول)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۸. گیدنز، آتونی، (۱۳۷۸)، تجدید و تشخیص، ترجمه ناصر موفقیان، نشرنی، تهران.
۹. معمار، رحمت‌اله، (۱۳۷۸)، سنجش گرایش به هویت تاریخی، اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و پخش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، تهران.
۱۰. میرمحمدی، داوود، (۱۳۸۳)، گفتارهایی درباره هویت ملی، مؤسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی، تهران.
۱۱. ورجاوند، پرویز، (۱۳۷۸)، پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ اول.

#### فصلنامه و نشریات

۱۳. بانید، لئونارد، (۱۳۷۷)، بحران‌های توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره اول.
۱۴. حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۷۹)، تحلیل جامعه‌شناختی هویت‌میلیدر ایران و چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی.
۱۵. شیخاوندی، داور، (۱۳۷۸)، وفاق اجتماعی و همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره اول.
۱۶. عبدلهی، محمد، (۱۳۷۵)، هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، مجموعه مقالات شماره یک.
۱۷. عسگری خانقاه، اصغر، (۱۳۷۸)، اعیاد، سنت‌ها و وفاق ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۲ و ۳.

#### رساله‌ها

۱۸. آقازاده، حسین، (۱۳۷۷)، بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.

---

۱۹. یوسفی، علی، (۱۳۷۹)، بررسی تطبیق مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.